

کامل شد. این مطلب مسلم و مورد اتفاق است، لیکن مورد بحث و اختلاف در این باره، مسئله نزول دفعی و یکباره قرآن پیش از مرحله نزول تدریجی آن است. براساس شماری از احادیث و روایات، قرآن کریم در شب قدر، یکباره به بیت المعمور یا بیت العزی نازل گردید و سپس به تدریج، در طول رسالت پیامبر ﷺ به حضرت وحی شد.

جمعی از بزرگان؛ از جمله عامر شعبی،<sup>۱</sup> شیخ مفید،<sup>۲</sup> سید مرتضی،<sup>۳</sup> زمخشری،<sup>۴</sup> ابن شهر آشوب<sup>۵</sup> و بیضاوی،<sup>۶</sup> نزول دفعی را انکار کرده‌اند. در مقابل، گروهی دیگر؛ از جمله شیخ صدوق،<sup>۷</sup> فیض کاشانی،<sup>۸</sup> علامه مجلسی،<sup>۹</sup> ابو عبدالله زنجانی،<sup>۱۰</sup> محمدجواد بلاغی،<sup>۱۱</sup> علامه طباطبایی<sup>۱۲</sup> و بسیاری از علمای اهل سنت،<sup>۱۳</sup> به سبب ظهور آیات و تصریح روایات معتقدند نزول قرآن در دو مرحله، دفعی و تدریجی، انجام گرفته است. طرفداران این دیدگاه، در تبیین چگونگی نزول دفعی قرآن در شب قدر، اتفاق نظر ندارند، بلکه در این باره، آراء متفاوتی را ابراز داشته‌اند.<sup>۱۴</sup>

در این جستار، نخست بعثت و آغاز نزول قرآن که در روشن شدن بحث بااهمیت است، بیان می‌کنیم و سپس برای تثبیت و تحکیم دیدگاه صحیح (دیدگاه

۱. ر.ک: سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۹.
۲. ر.ک: محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۱.
۳. ر.ک: سید مرتضی، *رسائل الشریف المرتضی*، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۳.
۴. ر.ک: محمود بن عمر زمخشری، *الکشاف*، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۹۶ ق، ج ۱، ص ۲۲۷.
۵. ر.ک: محمد بن شهر آشوب، *مشابهات القرآن و مختلفه*، ج ۱، ص ۶۳.
۶. ر.ک: بیضاوی، *تفسیر بیضاوی*، ج ۱، ص ۲۱۷.
۷. ر.ک: محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۰-۲۵۱.
۸. ر.ک: فیض کاشانی، *تفسیر صافی*، چاپ اول، بیروت، انتشارات اعلمی، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ص ۵۷.
۹. ر.ک: محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۳-۲۵۴.
۱۰. ر.ک: ابو عبدالله زنجانی، *تاریخ القرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۸ و ۳۹.
۱۱. ر.ک: محمدجواد بلاغی، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، قم، انتشارات وجدانی، ج ۱، ص ۱۶۰.
۱۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، بیروت، انتشارات اعلمی، ۱۳۹۳ ق، ج ۲، ص ۱۵-۱۸.
۱۳. ر.ک: سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۹.
۱۴. آراء گوناگون در چگونگی نزول دفعی قرآن کریم در بخش پایانی این مبحث خواهد آمد.

## نزول دفعی قرآن؛ شبهات و پاسخها

□ علی اصغر ناصحیان<sup>۱</sup>

□ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

### چکیده

در این مقاله، نخست، گزارشی اجمالی از مهم‌ترین آراء درباره چگونگی نزول قرآن و سپس نقد و رد دیدگاه انحصار نزول قرآن به نزول تدریجی ارائه می‌گردد. پس از آن، با استناد به شواهد بسیاری از قرآن و حدیث، نزول دو مرحله‌ای قرآن کریم به اثبات می‌رسد و به شبهات مربوط به آن پاسخ مناسب داده می‌شود. در بخش پایانی، با بررسی آراء گوناگون درباره نزول دفعی قرآن کریم و استناد به قرآن و حدیث، دیدگاه برتر و صحیح در این موضوع بیان می‌گردد. کلید واژگان: نزول قرآن، نزول دفعی، نزول تدریجی، آغاز بعثت، قرآن، حدیث.

قرآن کریم طی مدت رسالت پیامبر ﷺ به تدریج و در موقعیتهای گوناگون و مناسبتهای مختلف بر آن حضرت نازل گردید، تا آنکه در سال آخر رسالت، نزول قرآن

دو مرحله‌ای بودن نزول، شواهد و دلایل لازم را ذکر و بررسی می‌کنیم.

## بعثت و آغاز نزول قرآن

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در چهل سالگی، در ۲۷ رجب، به رسالت مبعوث گردید و بعثت آن حضرت با آغاز نزول قرآن همراه بود. این دیدگاه مبتنی بر احادیث و شواهد تاریخی بسیاری است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

امام باقر علیه السلام فرمود:

قبض رسول الله ﷺ و هو ابن ثلاث و ستین فی سنی عشر<sup>۱</sup> من الهجری، فکان مقامه بمکی أربعین سنی ثم نزل علیه الوحی فی تمام الأربعین و کان بمکی ثلاث عشری سنی ثم هاجر إلی المدینة؛<sup>۲</sup> رسول خدا در ۶۳ سالگی در سال دهم هجرت، از دنیا رحلت کرد. آن حضرت چهل سال در مکه اقامت داشت و در چهل سالگی وحی بر وی نازل شد و (پس از آن) سیزده سال در مکه بود و سپس به مدینه هجرت کرد.

از امام هادی علیه السلام نیز روایت شده که فرمود:

آنگاه که [محمد ﷺ] چهل سالش کامل شد و خداوند قلب او را برترین، عظیم‌ترین، مطیع‌ترین، خاشع‌ترین و خاضع‌ترین قلبها یافت، درهای آسمان را گشود و محمد ﷺ بدان می‌نگریست. فرشتگان را اذن داد تا فرود آمدند و محمد ﷺ به آنها نظر می‌کرد. به فرمان خداوند رحمت الهی از ساق عرش بر او فرود آمد و سراسر وجودش را فراگرفت. به جبرئیل، روح‌الامین، که در هاله‌ای از نور بود، نگریست. جبرئیل به سوی او فرود آمد و بازوی وی را گرفته و تکانش داد و گفت: ای محمد! بخوان، گفت، چه بخوانم؟ گفت: ای محمد! «اقرأ باسم ربك الذي خلق» خلق الإنسان من علق<sup>۳</sup> اقرأ و ربك الأكرم\* الذي علم بالقلم\* علم الإنسان ما لم يعلم<sup>۴</sup>. سپس آنچه خداوند به او وحی کرده بود، به آن حضرت وحی

۱. شاید تعبیر به «سال دهم هجرت» در این حدیث، به این اعتبار باشد که مبدأ سالها، ماه هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه (ربیع الاول) بوده است. با این حساب، رحلت پیامبر ﷺ در ۲۸ صفر، پیش از فرارسیدن ربیع الاول در اواخر دهمین سال پس از هجرت آن حضرت خواهد بود.

۲. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۰۳.

۳. «بخوان به نام پروردگارت که آفرید\* انسان را از خون بسته آفرید\* بخوان که پروردگارت

کرد و سپس بالا رفت.<sup>۱</sup>

براساس این حدیث، وقوع بعثت در چهل سالگی با نزول پنج آیه از آغاز سوره علق همراه بوده است.

همچنین احادیثی از امام سجاده، باقر، صادق و امام رضا علیهم السلام که آیات آغازین سوره علق را نخستین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ ذکر کرده است،<sup>۲</sup> تقارن بعثت با نزول قرآن را تقویت می‌کند؛ زیرا مفسران و مورخان نوعاً نزول آیات نخست سوره علق را همزمان با بعثت می‌دانند؛ برای نمونه، اظهارات برخی از آنان را می‌آوریم:

امین‌الاسلام طبرسی می‌گوید:

اکثر مفسران بر این باورند که نخستین روزی که جبرئیل بر پیامبر در غار حراء نازل شد، پنج آیه از آغاز سوره علق را به وی تعلیم داد.<sup>۳</sup>

مسعودی بیان می‌کند:

نخستین آیه‌ای از قرآن که بر پیامبر ﷺ نازل شد «اقرأ باسم ربك الذي خلق» بود. خدای متعال در روز دوشنبه، در حراء، او را به رسالت برانگیخت و آنجا نخستین مکانی بود که قرآن در آن نازل گردید و پیامبر با آیات نخستین سوره علق تا «علم الإنسان ما لم يعلم» مورد خطاب قرار گرفت.<sup>۴</sup>

یعقوبی می‌گوید:

جبرئیل او (پیامبر) را بر فرشی از فرشهای بهشتی نشاند و به وی اعلام کرد که به راستی او رسول خداست و «اقرأ باسم ربك الذي خلق» را به وی تعلیم داد.<sup>۵</sup>

۷۴

۷۳

مجله تخصصی الهیات و حقوق پاییز ۱۳۸۴ / شماره ۱۷

نزول دفعی قرآن؛ شبهات و پاسخها / پژوهشها

گرامی‌ترین است\* او که با قلم آموخت\* آموخت به انسان آنچه نمی‌دانست» (علق / ۱-۵).

۱. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹؛ ج ۱۸، ص ۲۰۵.

۲. ر.ک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، چاپ دوم، قم، رضا مشهدی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۶، ج ۱۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸، ح ۵؛ علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۸؛ جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، قم، انتشارات کتابخانه آیی‌الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۵۱۳-۵۱۴.

۴. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، بیروت، دار اندلس، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵. احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر یعقوبی، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ج ۲،

طبری نیز آورده است:

جبرئیل برای نخستین بار در شب شنبه و یکشنبه نزد پیامبر آمد و سپس در روز دوشنبه، رسالت خدا را بر او آشکار ساخت و به او، وضو و نماز و «اقرأ باسم ربك الذي خلق» را تعلیم داد.<sup>۱</sup>

براساس احادیث صحیح از پیامبر ﷺ و امامان معصومین و به تبع ایشان رأی بزرگان امامیه، بعثت در ۲۷ ماه رجب رخ داده است.<sup>۲</sup>  
گرچه دیدگاه مشهور اهل سنت، وقوع بعثت در ماه رمضان است؛ احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در این باره، از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است؛ از این رو، احادیث امامیه را در این باره ذکر می‌کنیم.

### احادیث امامیه درباره زمان بعثت

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

فی الیوم السابع والعشرين من رجب نزلت النبوی علی رسول الله؛<sup>۳</sup> نبوت در روز ۲۷ رجب بر رسول خدا ﷺ نازل گردید.

۲. امام هادی علیه السلام به ابواسحاق فرمود:

یا أبا إسحاق جئت تسألنی عن الأيام التي یصام فیهنّ و هی أربعی أولهنّ یوم السابع والعشرين من رجب یوم بعث الله تعالی محمداً ﷺ إلی خلقه رحمی للعالمین...؛ ای ابواسحاق! برای پرسش از روزهایی که در آن، روزه گرفته می‌شود، نزد من آمده‌ای. این ایام، چهار روز است. نخستین آن، روز ۲۷ رجب

ص ۲۳.

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. ر.ک: محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، المقنعی، چاپ اول، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.، ص ۳۷۱؛ محمد بن حسن (شیخ طوسی)، مصباح المتعبد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱ ق.، ص ۸۱؛ محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۴ ش.، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۴. محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تهذیب الاحکام، بیروت، دار صعب - دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.، ج ۴، ص ۳۰۵.

است که خداوند محمد ﷺ را که برای جهانیان رحمت است، به سوی آفریدگانش برانگیخت....

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود:

بعث الله محمداً رحمی للعالمین فی سبع و عشرين من رجب فمن صام ذلك الیوم كتب الله له صیام ستین شهراً؛<sup>۱</sup> خداوند محمد ﷺ را که رحمتی برای جهانیان است، در ۲۷ رجب برانگیخت و کسی که آن روز را روزه بدارد، خدا ثواب شصت ماه روزه گرفتن را برای او می‌نویسد.

۴. از امام جواد علیه السلام روایت شده که فرمود:

إنّ فی رجب لیلی خیر ممّا طلعت علیه الشمس و هی لیلی سبع و عشرين من رجب، فیها نبی رسول الله ﷺ فی صبیحتها؛<sup>۲</sup> در ماه رجب شبی است که از آنچه خورشید بر آن تابیده بهتر است و آن شب ۲۷ رجب است که در صبح آن، رسول خدا ﷺ به پیامبری رسید.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

یوم سبعی و عشرين من رجب نبی فیهِ رسول الله ﷺ؛<sup>۳</sup> رسول خدا در روز ۲۷ رجب به پیامبری رسید.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

و لاتدع صیام سبعی و عشرين من رجب فإنه هو الیوم الذي أنزلت فیهِ النبوی علی محمداً؛<sup>۴</sup> روزه روز ۲۷ رجب را وامگذار؛ چون روزی است که در آن، نبوت بر محمد ﷺ فرود آمد.

### احادیث اهل سنت درباره زمان بعثت

از اهل سنت نیز احادیثی ذکر شده است که دیدگاه مورد نظر ما را درباره زمان

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۴۹.

۲. محمد بن حسن (شیخ طوسی)، مصباح المتعبد، ص ۸۱۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۶۹.

۴. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دار صعب - دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.، ج ۲، ص ۵۵.

۷۶

۷۵

بعثت تأیید می کند که برخی از این روایات را می آوریم.

۱. رسول خدا ﷺ فرمود:

فی رجب یوم و لیلی من صام ذلك الیوم و قام تلك اللیلی کان کمن صام من الدهر مائی سنی و قام مائی سنی و هو لثلاث بقین من رجب و فیہ بعث الله محمداً؛<sup>۱</sup> در ماه رجب شب و روزی است که هر کس آن شب را به عبادت سپری کند و آن روز را روزه بگیرد، مانند کسی است که صد سال عبادت کرده و همه ایام را روزه گرفته است و آن، هنگامی است که سه روز از ماه رجب باقی مانده باشد که در آن روز خداوند محمد ﷺ را (به پیامبری) مبعوث گردانید.

۲. رسول خدا ﷺ فرمود:

من صام یوم سبع و عشرين من رجب كتب الله له صیام ستین شهراً و هو الیوم الذی أهبط الله فیہ جبرائیل علی محمد ﷺ بالرسالی؛<sup>۲</sup> کسی که ۲۷ رجب را روزه بگیرد، خداوند برای او، روزه شصت ماه را می نویسد و آن، روزی است که خداوند جبرئیل را برای ابلاغ رسالت بر محمد ﷺ نازل کرد.

احادیث یادشده که به وقوع بعثت در ۲۷ رجب تصریح دارد نشان از رأی صحیح در این باره است؛ بنابراین، این نتیجه را در پی دارد که آغاز نزول قرآن کریم همراه با بعثت در ۲۷ رجب بوده است.

## نقد دیدگاه انحصار نزول قرآن به نزول تدریجی<sup>۳</sup>

مدعیان انحصار نزول قرآن به نزول تدریجی، آغاز آن را در ماه رمضان و شب قدر می دانند و دلیل آنان بر این مطلب این آیات است:

۱. «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن...»<sup>۴</sup>

۱. محمد بن محمد زبیدی، *اتحاف سادی المتقین*، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۵۶۳.
۲. همان، ص ۵۶۶؛ علی بن برهان‌الدین حلبی، *السیرى الحلبیه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۳۸.
۳. برای آگاهی از آراء دیگر در این باره، رک: محمد هادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۱۲.
۴. «ماه رمضان همان ماهی که قرآن در آن نازل گردید...» (بقره/ ۱۸۵).

۲. «حم\* و الكتاب المبین\* إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة...»<sup>۱</sup>

۳. «إنا أنزلناه فی لیلة القدر»<sup>۲</sup>.

از آنجا که واژه «قرآن» گاهی به بخشی از قرآن و گاهی به کل آن گفته می شود، بنا به ظاهر آیه «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن...» و آیه «إنا أنزلناه فی لیلة القدر»، دو احتمال وجود دارد:

۱. نزول بخشی از قرآن در ماه رمضان و شب قدر.

۲. نزول کل قرآن در ماه رمضان و شب قدر.

باید گفت، احتمال نخست پذیرفتنی نیست؛ چرا که آیه یادشده، بیانگر اهمیت ماه مبارک رمضان و شب قدر است و طبعاً نزول چند آیه یا یک سوره در شب قدر، نشانه اهمیت آن به شمار نمی رود؛ چه اینکه نزول چند آیه یا یک سوره در سایر ماهها و ایام نیز بسیار اتفاق افتاده، ولی نشانه اهمیت آنها شمرده نشده است. افزون بر آن، احتمال دوم، نزول دفعی تمام قرآن در شب قدر، با ظهور روشن آیات «حم\* و الكتاب المبین\* إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة...»<sup>۲</sup> به خوبی تأیید می گردد؛ زیرا ضمیر در «أنزلناه» به «الكتاب المبین» که بدان سوگند یاد شده است، برمی گردد. بدیهی است، آنچه بدان سوگند یاد شده، مجموع کتاب آسمانی اسلام است، نه چند آیه یا یک سوره از آن، به ویژه اینکه به بخشی از قرآن، «الكتاب المبین» گفته نمی شود. این برداشت، از موارد کاربرد واژه «کتاب» آشکار می گردد: «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین»<sup>۳</sup>؛ «ذلك الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین»<sup>۴</sup>؛ «و هذا کتاب أنزلناه مبارک فائتبعوه»<sup>۵</sup>. چنان که می بینید، در آیات یادشده، واژه «کتاب» ناظر به تمام قرآن است.

در تفسیر این آیات گفته شده، این آیات از آغاز نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر حکایت دارد و این امر، یقیناً نشانه اهمیت و عظمت شب قدر و ماه رمضان است.

۱. «حم\* سوگند به کتاب روشنگر\* ما آن کتاب را در شبی پربرکت فرو فرستادیم...» (دخان/ ۱-۳).
۲. «همانا ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم» (قدر/ ۱).
۳. دخان/ ۱-۳.
۴. «به راستی از طرف خدا نور و کتابی روشنگر به سوی شما آمد» (مائده/ ۵۱).
۵. «این است کتابی که در [حقانیت] آن، هیچ تردیدی نیست، مایه هدایت پرهیزگاران است» (بقره/ ۲).
۶. «و این کتابی است پربرکت که ما آن را فرو فرستادیم، پس آن را پیروی کنید» (انعام/ ۱۵۵).



در پاسخ می‌گوییم، در این آیات، هیچ تعبیری مانند «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِي الْقَدْرِ» یا «إِنَّا بَدَأْنَا أَنْزَالَ الْقُرْآنَ فِي لَيْلِي الْقَدْرِ» که ظهور در آغاز نزول داشته باشد، وجود ندارد؛ بنابراین، حمل بر این معنا خلاف ظاهر است و دلیلی پذیرفتنی بر ارتکاب خلاف ظاهر در این آیات ارائه نشده است، بلکه شواهد تاریخی و احادیث معتبری که آغاز نزول تدریجی قرآن را در ۲۷ رجب ثابت می‌کند، گواه دیگری بر نادرستی ادعای آغاز نزول قرآن از شب قدر است.

در مقابل، حمل آیات یادشده بر نزول دفعی قرآن به بیت المعمور یا بیت العزى هم سازگار با ظاهر آیات و هم هماهنگ با احادیث فراوان شیعه و سنی در تفسیر این آیات است.

خلاصه مطلب این است که دیدگاه انحصار نزول قرآن به نزول تدریجی به سه دلیل نادرست است:

۱. ناسازگاری با ظهور آیاتی که از نزول قرآن در شب قدر گزارش می‌دهد.
  ۲. ناسازگاری با شواهد تاریخی و احادیث معتبری که آغاز نزول تدریجی قرآن را در ۲۷ رجب ثابت می‌کند.
  ۳. ناسازگاری با احادیث و روایات شیعه و سنی مبنی بر اینکه قرآن کریم نخست در ماه رمضان و شب قدر، یکباره به بیت المعمور یا بیت العزى نازل گردید و سپس به تدریج، در طول رسالت پیامبر ﷺ بر قلب آن حضرت نازل شد.<sup>۱</sup>
- حال، پرسش این است، چرا برخی با ثابت شدن دو مرحله‌ای بودن نزول قرآن با ظاهر آیات و شواهد یادشده، آن را نپذیرفته و آیات را بر خلاف ظاهر حمل کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد آنچه آنان را به این امر واداشته است، برخی شبهات است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

### شبهات منکران نزول دفعی و نقد آن

نخستین شبهه این است که چون در فرهنگ اسلامی، روشن بود که نزول قرآن

۱. در بخشهای بعدی، احادیث مربوط را به تفصیل می‌آوریم.

تدریجی است، تصریح آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِي الْقَدْرِ»، طبعاً بدین معناست که شروع نزولش در شب قدر بوده است.<sup>۱</sup>

پاسخ این است که به صرف شناخته شده بودن نزول تدریجی قرآن برای مردم، دلیل بر این نیست که سخن خدای متعال از نزول قرآن در هر جایی از کلامش، به همان نزول شناخته شده در نزد مردم ناظر است؛ زیرا اگر نزول قرآن، در مراحل انجام یافته باشد، نامأنوس بودن برخی از آن مراحل برای مردم، مانع از بیان آن در قرآن نمی‌گردد، بلکه قرآن کریم در موارد فراوانی از امور ماوراء طبیعت سخن گفته که برای بشر شناخته شده نبوده است و پیامبر ﷺ را موظف به تفسیر و بیان قرآن کرده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...»<sup>۲</sup>

دومین شبهه اینکه آیه «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن...» و دیگر آیات مشابه، از گذشته حکایت دارد، به گونه‌ای که شامل خود آیه نمی‌شود، پس این آیه از چیز دیگری، جز خود خبر می‌دهد و آن، شروع نزول قرآن است. توضیح اینکه این آیه، جزء قرآن است و اگر از تمامی قرآن خبر داده که در شب قدر نازل شده، از خود نیز خبر داده است. پس لازمه‌اش، این است که این آیه نیز در شب قدر نازل شده باشد و برای اینکه حکایت از زمان حال باشد، باید بدین صورت گفته می‌شد: «الذی ینزل» یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، ولی این آیه از غیر خود خبر می‌دهد و این نیست جز آنکه بگوییم منظور از نزول در شب قدر، آغاز نزول بوده است، نه اینکه همه قرآن یکجا در این شب نازل شده باشد.<sup>۳</sup>

در پاسخ می‌گوییم باید توجه داشت که تعبیرات قرآن نوعاً با زمان نزول تدریجی آیات بر پیامبر ﷺ متناسب می‌باشد؛ چه اینکه در این مرحله از نزول، آیات قرآنی در قالب الفاظ به پیامبر ﷺ وحی می‌شد تا به واسطه آن حضرت بر

۱. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، «نظریه‌ای درباره کیفیت نزول قرآن»، کیهان اندیشه، شماره ۳۲، مهر و آبان ۱۳۶۹ ش، ص ۷۵.

۲. «و ما این قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه به سوی ایشان فرفرستاده شده، بیان کنی» (نحل / ۴۴).

۳. محمدهادی معرفت، تاریخ قرآن، چاپ اول، سمت، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۸.

مردم تلاوت شود؛ از این رو، براساس روایات، نزول دفعی قرآن کریم به بیت المعمور، در گذشته رخ داده و نزول تدریجی اش، پس از آن بوده است. پس طبعاً در آیاتی که از نزول دفعی قرآن کریم خبر می‌دهد، باید تعبیر ماضی به کار گرفته شود؛ بنابراین، تعبیر آیات مورد بحث، کاملاً طبیعی و سازگار با دیدگاه نزول دفعی قرآن است و این اشکال، تنها در صورتی متصور است که بگوییم تعبیرات قرآنی متناسب با زمان نزول دفعی انشاء شده است. ولی از آنجا که به هنگام نزول دفعی، قرآن کریم در قالب الفاظ به پیامبر ﷺ القا نشده و کسی مورد خطاب قرار نگرفته است، به کار بردن تعبیرات مناسب آن زمان، امری عبث و نامعقول است.

سومین شبهه این است که چون در عصر نزول، بخشی از قرآن هنوز نازل نشده بود، مردم از واژه «قرآن»، قرآن کامل را نمی‌فهمیدند، بلکه بخشی از آن را اراده می‌کردند. خدای متعال هم طبق فهم مردم عصر نزول، واژه «قرآن» را به معنای قرآن کامل به کار نبرده است؛ از این رو، مقصود از «نزول قرآن» در آیات مورد بحث، آغاز نزول قرآن است، نه نزول قرآن کامل.<sup>۱</sup>

در پاسخ می‌توان گفت، گرچه واژه قرآن، در شماری از آیات، به بخشی از کتاب‌الله اطلاق شده است، لکن اینکه خدای متعال این واژه را همیشه به معنای بخشی از کتاب به کار برده باشد و معاصران عصر نزول نیز همین معنا را از آن فهمیده باشند، نادرست به نظر می‌رسد؛ چون شماری از آیات، از آن حکایت دارد که هم معاصران نزول و هم خود قرآن، این واژه را به معنای قرآن کامل به کار برده‌اند. در آیاتی از قبیل «و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جملة واحدة»<sup>۲</sup> و «و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریئین عظیم»<sup>۳</sup>.

چنان که می‌بینید، در هر دو آیه، واژه «قرآن» را نمی‌توان به معنای چند آیه یا یک سوره گرفت؛ زیرا در آیه نخست، اعتراض کافران این بود که چرا تمام قرآن، یکباره بر پیامبر نازل نشده است؛ چه اینکه اگر واژه «قرآن» را در آیه یادشده به

۱. همان، ص ۳۵.

۲. «آنان که کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است» (فرقان / ۳۲).

۳. «و گفتند: چرا قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است» (زخرف / ۳۱).

۸۱

۸۲

نزول دفعی قرآن؛ شبهات و پاسنها / پژوهشها

مجله تخصصی الهیات و حقوق / پاییز ۱۳۸۴ / شماره ۱۷

معنای بخشی از آن بدانیم، سخن کافران در آیه بدین معناست که چرا بخشی از قرآن، یکجا بر او نازل نشده است. در آیه دوم نیز پرسش مشرکان این است که چرا قرآن، کتاب آسمانی اسلام، بر یکی از بزرگان مکه یا طائف نازل نشده است. بدیهی است که چنین معنایی از دو آیه مقصود نیست.

از این دو آیه که حکایت قول برخی از معاصران نزول قرآن است، روشن می‌شود که معاصران عصر نزول، واژه «قرآن» را به معنای «قرآن کامل» به کار می‌برده‌اند. آیات بسیاری نیز وجود دارد که واژه «قرآن» در آنها به معنای «قرآن کامل» به کار رفته است؛ برای نمونه، چند آیه را ذکر می‌کنیم:

۱. ﴿و ما کان هذا القرآن أن یفتی من دون الله﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿إنّ هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم...﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿إنا أنزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون﴾<sup>۳</sup>.

حدیث ذیل نیز مؤید نکته یادشده است:

سئل أبو عبدالله علیه السلام عن الفرقان أنّهما شیتان أو شیء واحد؟ فقال علیه السلام القرآن جملی الكتاب و الفرقان المحکم الواجب العمل به؛<sup>۴</sup> از امام صادق علیه السلام پرسش شد که آیا «قرآن» و «فرقان» با یکدیگر متفاوت‌اند یا هر دو به یک معنی است؟ امام علیه السلام فرمود: «قرآن» همه کتاب (آسمانی اسلام) است، ولی «فرقان»، محکمت آن است که عمل به آن واجب می‌باشد.

شبهه دیگر این است که خدای متعال، در پاسخ به اعتراض کافران مبنی بر علت نازل نشدن یکباره قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از فواید نزول تدریجی سخن گفته است، در حالی که اگر قرآن یکباره نازل شده بود، مناسب بود که در پاسخ آنان، نزول یکباره قرآن بیان شود، نه فایده نزول تدریجی آن؛ بنابراین، از جواب اعتراض کافران روشن می‌شود که قرآن دارای نزول دفعی نبوده است. بنابراین، این گروه با استدلال به آیه

۱. «چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا به دروغ ساخته شده باشد» (یونس / ۳۷).

۲. «این قرآن، به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می‌کند» (اسراء / ۹).

۳. «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که ببیندشید» (یوسف / ۲).

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۳۰.

﴿وقال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جملة واحدة كذلك لثبتّ به فؤادك...﴾<sup>۱</sup> با حمل آیات مورد بحث بر معنای خلاف ظاهر، نزول دفعی قرآن را انکار کرده‌اند. در پاسخ می‌گوییم اولاً با توجه به آشکار بودن و شناخته شده بودن نزول تدریجی قرآن، آیه مورد استناد، صرفاً در مقام بیان فایده نزول تدریجی بوده و نسبت به نزول دفعی، ساکت است و اثبات شیء، نفی ماعدا نمی‌کند، مگر اینکه بین وجود یک چیز و عدم دیگری ملازمه باشد، در حالی که بین وجود نزول تدریجی و عدم نزول دفعی (به معنای مقبول آن) ملازمه‌ای نیست.

ثانیاً، بر فرض دلالت آیه مزبور بر عدم نزول دفعی قرآن، این دلالت، در قالب الفاظ است، نه عدم نزول دفعی آن به بیت المعمور یا عدم نزول معارف و حقایق آن بر قلب آن حضرت؛ زیرا اعتراض کافران، سؤال از نازل نشدن یکباره تمام قرآن [در قالب الفاظ] بر پیامبر ﷺ بود. روشن است که پذیرش عدم نزول دفعی قرآن در قالب آیات و سور با پذیرش نزول دفعی آن به بیت المعمور یا نزول معارف آن بر قلب پیامبر ﷺ منافاتی ندارد.

همچنین گفته شده است که قرآن با این الفاظ، عبارات و خصوصیاتش، نمی‌تواند یکجا و در یک شب نازل شده باشد؛ زیرا آیات بسیاری مانند آیه ﴿و لقد نصرکم الله بذر و أنتم أذلة...﴾<sup>۲</sup> و آیه ﴿قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها...﴾<sup>۳</sup> اشاره به وقایعی دارد که سالها پس از بعثت رخ داده است. بنابراین، اگر این قبیل آیات که در قرآن فراوان است، در آغاز بعثت و در شب قدر نازل شده باشد، باید به صورت مستقبل بیاید، در غیر این صورت، سخن از حالت صدق خارج می‌گردد؛ زیرا پیش از آنکه حادثه‌ای رخ دهد، قرآن خبر می‌دهد که آن حادثه در گذشته به وقوع پیوسته است.<sup>۴</sup>

۱. «آنان که کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ این گونه (آن را به تدریج) نازل کردیم تا قلبت را بدان استوار گردانیم» (فرقان/ ۳۲).
۲. «خداوند شما را در بدر یاری کرد، در حالی که شما ناتوان بودید» (آل عمران/ ۱۲۳).
۳. «خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود، شنید» (مجادله/ ۱).
۴. ر.ک: محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، ص ۳۶-۳۷. مشابه اشکال یادشده را شیخ مفید رحمته الله علیه در رد دیدگاه شیخ صدوق رحمته الله علیه در دو مرحله‌ای بودن نزول قرآن بیان کرده است (ر.ک: محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تصحیح اعتقادات الامامی، تحقیق حسین درگاهی، چاپ دوم، بیروت، دار

پاسخ این است که اگر نزول دفعی را به معنای نزول یکباره قرآن در قالب الفاظ بر پیامبر ﷺ بدانیم، به گونه‌ای که همه خطابات قرآنی در آغاز بعثت نسبت به پیامبر ﷺ و سایر مسلمانان فعلیت یافته باشد، در این صورت، اشکال یادشده موجه است، لکن آنچه راجع به نزول دفعی قرآن در احادیث مطرح است، نزول دفعی قرآن به بیت المعمور یا بیت العزی است که برخی همچون علامه طباطبائی رحمته الله علیه آن را به نزول دفعی حقیقت قرآن [بدون قالب لفظی] بر قلب پیامبر ﷺ تأویل کرده‌اند. اما نزول یکباره قرآن بر پیامبر ﷺ در قالب الفاظ پذیرفتنی نیست و دلیلی هم برای آن وجود ندارد. بدیهی است که براساس دیدگاه یادشده، پیش از مرحله نزول تدریجی، پیامبر ﷺ با آیات قرآن مورد خطاب قرار نگرفته است؛ بنابراین، اشکال یادشده بی‌مورد است.

براساس آنچه بیان شد، آشکار گردید که دلایل مزبور برای حمل آیه ﴿إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر﴾<sup>۱</sup> و آیات مشابه آن، بر آغاز نزول قرآن در شب قدر، ناتمام است؛ بنابراین، ظهور آیات در نزول دفعی بی‌اشکال است؛ زیرا چنان که ثابت شد، دلیلی بر منع آن وجود ندارد و افزون بر این، این امر، در لسان روایات نیز تأیید می‌شود. در مقابل، دیدگاهی که آیات مورد بحث را بر آغاز نزول قرآن در شب قدر حمل می‌کند، نه با ظاهر آیات هماهنگی دارد و نه حدیثی در تأیید آن می‌توان ارائه داد، حتی در میان آراء اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه رحمته الله علیه نیز نمی‌توان مؤیدی برای آن یافت، بلکه به نظر می‌رسد این رأی، نخستین بار از سوی عامر بن شراحیل شعبی (۱۰۹-۲۰ ق.)، از تابعین اهل سنت،<sup>۲</sup> ابراز گردیده است.<sup>۳</sup>

افزون بر این، در ابتدای بحث اثبات شد که بعثت پیامبر ﷺ در ۲۷ رجب با آغاز نزول قرآن همراه بوده است، با این حال، چگونه می‌توان آیات مورد بحث را

۱. المفید، ۱۴۱۴ ق.، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص (۲۵۱).  
 ۲. قدر/ ۱.  
 ۳. ر.ک: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.، ج ۵، ص ۶۰.  
 ۴. جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۸.

بر آغاز نزول قرآن در شب قدر حمل کرد؟!

## احادیث نزول دفعی

سؤال انگیز بودن آیات نزول قرآن، سبب مطرح شدن این موضوع در احادیث گردیده است؛ از این رو، روایات زیادی از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است. بیشتر این احادیث، از حیث مفاد، تقریباً همسو و همگون، ولی از حیث اجمال و تفصیل، متفاوت اند. شماری از این احادیث، به صراحت از نزول دفعی به بیت المعمور یا بیت العزى<sup>۱</sup> و سپس از نزول تدریجی بر پیامبر ﷺ حکایت دارد و شماری دیگر، صرفاً در نزول یکباره قرآن در شب قدر ظهور دارد. حال، احادیث مزبور را یاد می کنیم.

## احادیث امامیه درباره نزول قرآن

۱. حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند عز وجل «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن» پرسیده، گفتم: قرآن از آغاز نزول تا پایان آن، طی بیست سال نازل گردید؟ حضرت فرمود:

نزل القرآن جملی واحدی فی شهر رمضان إلی البیت المعمور ثم نزل فی طول عشرين سنی، ثم قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: نزلت صحف ابراهیم فی اول لیلی من شهر

۱. تعبیر «بیت المعمور» در احادیث شیعه و تعبیر «بیت العزى» در روایات اهل سنت آمده است. براساس احادیث، بیت المعمور جایگاهی مقدس در آسمان چهارم و مطاف و حرم امن الهی برای فرشتگان است. احادیث راجع به اصل وجود بیت المعمور، متواتر و علم آور است؛ گرچه برخی از مسائل جنبی و ویژگیهای آن در روایات مورد اختلاف است. (برای آگاهی بیشتر و دیدن روایات، ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۰۴ و ۱۱۰؛ ج ۱۷، ص ۸۹؛ ج ۲۶، ص ۲۸۶ و ۳۰۷؛ ج ۱۸، ص ۳۲۶، ۳۵۶، ۳۷۰ و ۳۸۷؛ ج ۲۷، ص ۲۸۱؛ ج ۳۶، ص ۱۵۴؛ ج ۴۳، ص ۱۲۸؛ ج ۵۸، ص ۵، ۱۶ و ۵۸؛ ج ۵۹، ص ۱۷۶؛ ج ۸۲، ص ۲۳۹؛ ج ۸۴، ص ۱۲۰ و ۳۸۰؛ ج ۹۴، ص ۳۸۲ و ۳۹۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸؛ ج ۳، ص ۳۰۲، ۳۹۲ و ۴۸۴؛ ج ۴، ص ۱۸۸ و ۱۹۶؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، چاپ نجف، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.، ص ۳۱۴، ۴۰۳، ۴۰۶ و ۴۲۱؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، چاپ اول، جده، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ ق.، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹ و ۱۳۰).

رمضان... و أنزل القرآن فی ثلاث و عشرين من شهر رمضان؛<sup>۱</sup> قرآن یکباره در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شد، سپس طی بیست سال (به تدریج) فرود آمد. سپس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صحف ابراهیم در نخستین شب از ماه رمضان نازل گردید... و قرآن در ۲۳ ماه رمضان نازل شد.

۲. حمران از امام باقر علیه السلام درباره آیه إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة پرسید. حضرت فرمود:

هی لیلی القدر و هی فی کل سنی فی شهر رمضان فی العشر الأواخر و لم ینزل القرآن إلا فی لیلی القدر، قال الله عزّ و جلّ «فیها یفرق کلّ أمر حکیم»؛<sup>۲</sup> مقصود از آن (لیلی مبارکی) شب قدر است که هر سال در دهه آخر ماه رمضان می باشد و قرآن جز در شب نازل نشد. خدای عزّ و جلّ فرمود: «در آن شب هر کار مهمی تقدیر می شود».

این حدیث که از حیث سند معتبر است، به صراحت، نزول قرآن را تنها در شب قدر می داند، نه غیر آن. مفهوم این حدیث به روشنی از نزول دفعی قرآن در شب قدر حکایت دارد؛ زیرا نزول تدریجی در همه ماههای سال رخ داده است؛ بنابراین، نمی توان آن را به شب قدر منحصر دانست، ولی نزول دفعی طبعاً در یک زمان خاص بوده است.

برخی ادعا کرده اند که این حدیث، به نزول تفسیر قرآن ناظر است که منحصرأ در شب قدر رخ می دهد.

در پاسخ می گوئیم، این ادعا پذیرفتنی نیست؛ زیرا:

اولاً، در متن حدیث، عبارت «لم ینزل القرآن إلا فی لیلی القدر» (قرآن نازل نشد مگر در شب قدر) آمده است و یقیناً قرآن، غیر از تفسیر قرآن است؛ بنابراین، حمل واژه «قرآن» در این حدیث بر «تفسیر قرآن» خلاف ظاهر و نیازمند دلیل است، در حالی که چنین دلیلی وجود ندارد.

ثانیاً، این مطلب که تفسیر آیات در عصر نزول قرآن تنها در شب قدر نازل

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸.



می شده است، نیز پذیرفتنی نیست؛ چراکه در این صورت، باید بگوییم سوره‌ای که مثلاً در ماه ذی‌القعده نازل می‌شد، تفسیر آن ده ماه بعد در ماه رمضان به پیامبر وحی می‌شد و در آن ده ماه، پیامبر ﷺ و مسلمانان از بیان الهی بی‌بهره می‌بودند.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

نزلت التورای فی ستّ مضت من شهر رمضان و نزل الإنجیل فی اثنی عشری لیلی مضت من شهر رمضان و نزل الزبور فی لیلی ثمانی عشری مضت من شهر رمضان و نزل القرآن فی لیلی القدر؛<sup>۱</sup> تورات در ششم ماه رمضان، انجیل در دوازدهم و زبور در هیجدهم ماه رمضان و قرآن در شب قدر نازل گردید.

این حدیث نیز مضمون احادیث گذشته را تأیید می‌کند؛ زیرا در آن، زمان نزول قرآن شب قدر بیان شده است و بدیهی است که این زمان، به شب قدر منحصر نیست؛ بنابراین، این حدیث، به نزول دفعی قرآن اشعار دارد.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

ای مفضل! قرآن طی بیست و سه سال نازل گردید، در حالی که خداوند می‌فرماید: «شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن»<sup>۲</sup> و می‌فرماید: «إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة إنا کنا منذرین»<sup>۳</sup> فیها یفرق کلّ أمر حکیم\*<sup>۴</sup> أمراً من عندنا إنا کنا مرسلین\*<sup>۵</sup> و می‌فرماید: «لولا نزل علیه القرآن جملة واحدة كذلك لثبتّ به فؤادک»<sup>۶</sup>. مفضل گفت: ای مولای من! این تنزیلی است که خداوند آن را در کتابش یاد کرده است، ولی چگونه وحی طی ۲۳ سال ظاهر شد؟ امام علیه السلام فرمود: آری، ای مفضل! خداوند قرآن را در ماه رمضان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعطا کرد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز در وقت مناسب خطاب و امر و نهی، آن را ابلاغ نمی‌کرد؛ پس جبرئیل وحی را نازل کرد و آنچه بدان امر می‌شد و قول خدای تعالی «لاتحرک به لسانک لتعجل به»<sup>۷</sup> را ابلاغ کرد. پس مفضل گفت: گواهی می‌دهم که شما از دانش خداوند تعلیم شده‌اید و به قدرت او توانا

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷.

۲. بقره / ۱۸۵.

۳. دخان / ۵۳.

۴. فرقان / ۳۲.

۵. قیامه / ۱۶.

گردیده‌اید و به حکمت او سخن می‌گویید و به فرمان او عمل می‌کنید.<sup>۱</sup>

این حدیث، در اصل مسئله نزول دفعی و زمان وقوع آن در ماه رمضان، با احادیث پیشین هماهنگی دارد؛ با این تفاوت که در آن از نزول دفعی قرآن به بیت المعمور سخنی به میان نیامده، بلکه براساس آن، قرآن کریم یکجا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داده شده است، ولی آن حضرت در ابلاغ آن، مأذون نبوده است مگر هنگامی که زمینه ابلاغ فراهم می‌شد یا خطاب امر یا نهی ضرورت می‌یافت که در این صورت، جبرئیل آن را به او وحی می‌کرد. همچنین بر خلاف برخی از احادیث پیشین، مدت نزول تدریجی، ۲۳ سال بیان شده است.

افزون بر احادیث یاد شده، روایاتی از طرق اهل سنت نیز دیدگاه نزول دفعی را تأیید می‌کند که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم.

## روایات اهل سنت درباره نزول قرآن

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أنزلت صحف إبراهيم فی أول لیلی من رمضان و أنزلت التورای لست مضین من رمضان و أنزل الإنجیل لثلاث عشری خلت من رمضان و أنزل الزبور لثمان عشری خلت من رمضان و أنزل القرآن لأربع و عشرين خلت من رمضان؛<sup>۲</sup> صحف ابراهیم در نخستین شب ماه رمضان و تورات در ششم، انجیل در سیزدهم، زبور در هیجدهم و قرآن در بیست و چهارم ماه رمضان نازل گردید.

۲. جابر بن عبدالله گوید:

أنزل الله صحف إبراهيم أول لیلی من رمضان و أنزل التورای علی موسی لست خلون من رمضان و أنزل الزبور علی داود لاثنتی عشری خلت من رمضان و أنزل الإنجیل علی عیسی لثمانی خلت من رمضان و أنزل الفرقان علی محمد لأربع

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۸.

۲. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۸۹. امین‌الاسلام طبرسی، حدیثی با همین مضمون و با اندکی تفاوت، به روایت ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷۶).

عشرين خلت من رمضان؛<sup>۱</sup> خداوند صحف ابراهیم را در شب اول رمضان نازل کرد و تورات را در شب ششم رمضان بر موسی فرورستاد و زبور را در دوازدهم رمضان بر داود نازل کرد و انجیل را در هیجدهم رمضان بر عیسی نازل فرمود و فرقان را در بیست و چهارم رمضان بر محمد ﷺ فرورستاد.

۳. مقسم می گوید:

عطیه به ابن عباس گفت، در دلم شك ایجاد شده است؛ زیرا خدای تعالی می فرماید: «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن»؛ «إنا أنزلناه في ليلة القدر» و «إنا أنزلناه في ليلة مباركة»، در حالی که قرآن در شوال، ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و ربیع الاول نازل شده است.

ابن عباس گفت: قرآن در ماه رمضان، در شب قدر و شب مبارک، یکجا نازل شد، سپس به تدریج در ماهها و ایام دیگر نازل شد.<sup>۲</sup>

۴. ابن عباس می گوید:

أنزل القرآن كله جملي واحدي في ليلي القدر في رمضان إلى السماء الدنيا فكان الله إذا أراد أن يحدث في الأرض شيئاً أنزله منه حتى جمعه؛<sup>۳</sup> قرآن تماماً یکباره در شب قدر به آسمان دنیا نازل گردید، پس هرگاه خداوند اراده می فرمود که در زمین چیزی ایجاد کند، بخشی از آن را نازل می کرد تا آنکه آن را گرد آورد.

۵. سعید بن جبیر گفته است:

نزل القرآن جملي واحدي في شهر رمضان في ليلي القدر فجعل في بيت العزى ثم أنزل على النبي في عشرين سني جواب كلام الناس؛<sup>۴</sup> قرآن در ماه رمضان، در شب قدر، یکباره نازل شد و در بیت العزى نهاده شد، سپس طی بیست سال در پاسخ به پرسش مردم بر پیامبر ﷺ نازل گردید.

۶. ابن جریح درباره «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن» از ابن عباس نقل

۱. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۸۵.

می کند:

أنزل القرآن جملي واحدي على جبريل في ليلي القدر، فكان لا ينزل منه إلا بأمر؛<sup>۱</sup> قرآن در شب قدر یکباره بر جبرئیل نازل شد، پس جبرئیل چیزی از آن را جز به امر (خدا) نازل نمی کرد.

۷. شعبی درباره «إنا أنزلناه في ليلة القدر» می گوید:

بلغنا أن القرآن نزل جملي واحدي إلى السماء الدنيا؛<sup>۲</sup> به ما رسیده که قرآن یکباره به آسمان دنیا نازل شده است.

۸. ضحاک از ابن عباس درباره «إنا أنزلناه في ليلة القدر» نقل می کند که گفت:

قرآن یکباره از نزد خدا در لوح محفوظ بر فرشتگان گرامی در آسمان نازل گردید. پس فرشتگان گرامی، آن را طی بیست شب بر جبرئیل فرود آوردند و جبرئیل به تدریج، طی بیست سال آن را بر محمد ﷺ نازل کرد. به همین معنا اشاره دارد این قول خدای تعالی: «فلا أقسم بمواقع النجوم» و «إني لقسيم لو تعلمون عظيم» \* إنه لقرآن كريم؛<sup>۳</sup> «نجوم» یعنی بخشهای قرآن (که به تدریج نازل شده است).

ابن عباس گفت: چون قرآن یکباره بر پیامبر ﷺ نازل شد، کافران گفتند، چرا قرآن یکباره بر او نازل نشده است. پس خدای تعالی فرمود: «كذلك لنتبت به فؤادك».<sup>۴</sup>

شماری از این روایات را حاکم نیشابوری با سند صحیح از ابن عباس نقل کرده است.<sup>۵</sup> روایات اهل سنت، در اصل نزول دفعی قرآن در شب قدر، با احادیث شیعه هماهنگ است؛ با این تفاوت که نزول دفعی قرآن به بیت العزى بوده است و تنها در یک روایت از ابن عباس، نزول به بیت المعمور آمده که آن هم به «آسمان دنیا» تفسیر شده است.<sup>۷</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۲۸.

۳. واقعه / ۷۵-۷۷.

۴. فرقان / ۳۲.

۵. القرطبي، تفسیر القرطبي، ج ۱۳، ص ۲۹.

۶. ر.ک: حاکم نیشابوری، مستدرک الصحيحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۲۲، ۴۷۷ و ۵۳۰.

۷. ر.ک: محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۶۹.

چندین روایت دیگر به این مضمون رسیده که بسیاری از آنها موقوف به ابن عباس است.<sup>۱</sup> یکی از دلایل زرقانی، صاحب *مناهل العرفان*، بر اعتبار این روایات، این است که نزول قرآن به بیت العزّی، یقیناً از اخبار غیبی است و جز از طریق معصوم علیه السلام دانسته نمی‌شود. از سوی دیگر، ابن عباس شخصی نیست که به اسرائیلیات اعتماد کند؛ بنابراین، مصدر اصلی این روایات باید خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری از احادیث نزول دفعی

با اینکه مسئله نزول قرآن پیشینه‌ای دیرین دارد و احادیث فراوانی راجع به نزول قرآن در شب قدر از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است، حتی یک حدیث نمی‌توان یافت که در آن، تعبیری مانند: «أنزل القرآن من لیلی القدر» یا «بدء إنزال القرآن من لیلی القدر» آمده باشد.

اگر مقصود از نزول قرآن در شب قدر آغاز نزول آن می‌بود، حداقل در برخی از احادیث، تعبیری که گویای آن باشد، یافت می‌شد. ولی در احادیث معصومان علیهم السلام و حتی روایات صحابه نیز چنین تعبیری دیده نمی‌شود.

از آنچه تا کنون بر مبنای احادیث بیان شد، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. آغاز نزول قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - همزمان با بعثت - در ۲۷ رجب بوده است.
۲. ظاهر آیات مربوط به نزول قرآن در شب قدر، از نزول دفعی آن حکایت دارد.
۳. احادیث متعدّد، گویای نزول دفعی قرآن در شب قدر است.
۴. اشکالات و شبهات مطرح شده راجع به نزول دفعی، سست و متزلزل است.

۱. همان، ص ۸۴ و ۸۵.

۲. محمد بن عبدالعظیم زرقانی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، چاپ اوّل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.، ج ۱، ص ۴۷.

### دیدگاه شیخ صدوق

شیخ صدوق رحمته الله علیه درباره نزول دفعی قرآن می‌نویسد:

اعتقاد ما این است که قرآن در ماه رمضان و در شب قدر، یکباره به بیت المعمور نازل گردید و سپس از بیت المعمور، طی بیست سال [بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] نازل شد و به راستی خدای تبارک و تعالی دانش [قرآن] را یکجا به پیامبرش عنایت کرد، سپس به او فرمود: «نسبت به قرآن پیش از آنکه به تو وحی شود، شتاب مکن» و فرمود: «زبان را به سبب عجله در خواندن آن، حرکت مده».<sup>۱</sup>

علامه مجلسی رحمته الله علیه با آوردن نقد و اشکالات شیخ مفید در ذیل این سخن و رد آن، دیدگاه شیخ صدوق را برگزیده است.<sup>۲</sup> وی در تبیین دیدگاه شیخ صدوق رحمته الله علیه می‌نویسد:

مقصود صدوق این است که بین مفاد آیات و روایات سازگاری ایجاد کند و تنافی ظاهر آنها را برطرف سازد؛ زیرا ظاهر آیات گویای نزول قرآن در شب قدر است، در حالی که آثار و اخبار، از نزول تدریجی قرآن طی بیست یا بیست و سه سال حکایت دارد. در برخی از روایات چنین است که قرآن در نخستین شب ماه رمضان نازل شده است و در برخی دیگر، روز مبعث آغاز نزول قرآن است.

مرحوم صدوق این گونه بین آنها سازش برقرار می‌کند: قرآن در شب قدر یکجا از لوح محفوظ به آسمان چهارم نازل گردید تا از آنجا به تدریج نازل شود و در نخستین شب ماه رمضان یکجا بر پیامبر نازل گردید تا خود آن حضرت بداند، نه اینکه بر مردم بخواند. سپس نزول آن، آیه آیه و سوره سوره از مبعث یا غیر آن،

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *الاعتقادات فی دین الامامیه*، ص ۵۸؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۲. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۰-۲۵۴.

آغاز شد تا آن را بر مردم تلاوت کند.<sup>۱</sup>

اگر مقصود شیخ صدوق رحمته الله علیه همان باشد که مجلسی بیان کرده است، در این صورت، شماری از اشکالات منکران نزول دفعی بر آن وارد خواهد بود. اما اگر بگوییم مقصود صدوق رحمته الله علیه از «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى نَبِيَّهَ الْعِلْمَ جَمَلِيَّ وَاحِدِيَّ» این است که خدای متعال، همراه با نزول قرآن به بیت المعمور، معارف کلی قرآن را (معانی قرآن نه الفاظ آن) بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده، اشکالات یادشده به سخن شیخ صدوق وارد نیست.

### دیدگاه فیض کاشانی

فیض کاشانی می نویسد:

گویا مقصود از نزول قرآن به بیت المعمور، نزول معنای آن بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، چنان که خدای تعالی می فرماید: «نزل به الروح الأمين علی قلبك»<sup>۲</sup>.

تعبیر مرحوم فیض، گویای آن است که وی نسبت به تأویل مزبور قاطع نبوده است؛ زیرا می گوید: «کأنه أريد به نزول معناه علی قلب النبي صلی الله علیه و آله و سلم». شیخ ابو عبدالله زنجانی نیز رأی مشابهی را می گوید که احتمال، بیان کرده است:

ممکن است بگوییم روح قرآن که همان اهداف کلی آن است، در شب قدر بر قلب شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تجلی یافته است.<sup>۴</sup>

دیدگاه مرحوم فیض از دو جهت مورد اشکال است:

نخست، اینکه بیت المعمور طبق روایات، یک جایگاه مقدس آسمانی است. از آنجا که منع معتبر در شناخت این امور، خود احادیث است، در این مورد نیز نمی توان بر تأویلات اجتهادی تکیه کرد. پیش از این گذشت که احادیث در باب

۱. همان، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۲. شعراء/ ۱۹۳.

۳. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷.

۴. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ص ۳۸ و ۳۹.

نزول قرآن به بیت المعمور، خلاف دیدگاه مرحوم فیض را بیان می کند و دلیلی در تأیید رأی ایشان نیز در دست نیست؛ بنابراین، به نظر می رسد تأویل بیت المعمور به قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مصداق قول بغیر علم است.

دوم، قرآن متقوم به دو رکن لفظ و معناست؛ بنابراین، تعبیر «نزول قرآن» را بدون دلیل نمی توان بر نزول معنای قرآن حمل کرد.

### دیدگاه علامه طباطبایی

علامه رحمته الله علیه درباره نزول دفعی قرآن می فرماید:

قرآن فراتر از آنچه ما با فهم عادی خود درک می کنیم، دارای حقیقتی بسیط و بدون اجزا و فصول است که هیچ تغییری در آن راه ندارد. مقام ارجمند آن، برتر از آن است که افکار هوس آلود بدان دست یابد و قرآنی که در قالب الفاظ به تدریج بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، متکی بر آن حقیقت یادشده و همچون لباسی برای آن و مثالی از آن است. آیاتی که از نزول قرآن در شب قدر سخن می گوید، ظهور در نزول دفعی آن دارد، لکن از آنجا که قرآن مفصل، دارای ناسخ و منسوخ بوده و آیات بسیاری از آن ناظر به وقایع خاصی است که به تدریج در طول بیست یا بیست و سه سال رخ داده است؛ بنابراین، نزول یکباره آن در آغاز بعثت، معقول نیست؛ از این رو، آنچه در شب قدر به طور دفعی نازل شده، حقیقت بدون اجزا و فصول قرآن است که الفاظ قرآن مفصل به منزله لباس آن و همچون مثالی برای آن است.<sup>۱</sup>

اشکالاتی بر این دیدگاه و دلایل آن مطرح است که برخی از آنها را ذکر می کنیم.<sup>۲</sup>

براساس رأی علامه طباطبایی، قرآن مشهود که در قالب الفاظ است، همچون مثال و آینه ای برای حقیقت قرآن به شمار می آید؛ بنابراین، آنچه ما با آن سروکار داریم، مثال و آینه کتاب مبین است. اما آنچه در شب قدر به طور دفعی بر قلب

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۵-۱۸.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: علی اصغر ناصحیان، «کاوشی در چگونگی نزول قرآن»، نشریه داخلی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶ و ۷، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۷-۶۶.

پیامبر ﷺ نازل شد، اصل و حقیقت کتاب مبین بود که امری فراتر از دریافت کلیات معارف قرآن است؛ زیرا طبق دیدگاه وی، نزول حقیقت قرآن بر قلب پیامبر ﷺ به گونه‌ای بود که موجب احاطه آن حضرت به جزئیات و آگاهی از قرآن ملفوظ گردید، پس به هنگام وحی در تلاوت آیات، بر جبرئیل پیشی می‌گرفت.<sup>۱</sup>

بر مبنای این دیدگاه، پیامبر ﷺ در مرحله نزول تدریجی که قرآن را در قالب الفاظ دریافت کرد، نباید نیازمند تفسیر و بیان آیات از سوی خداوند متعال باشد؛ زیرا فرض بر این است که آن حضرت پیش از آن، در مرحله نزول دفعی، حقیقت قرآن را دریافت داشته و بی‌گمان معرفت یافتن به مرحله عالی [دریافت حقیقت شیء] مستلزم احاطه کامل به مرحله دانی (دریافت مثال) است. لکن این مطلب با ظاهر آیه شریفه «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ»<sup>۲</sup> سازگار نیست؛ زیرا ظاهر این آیه و چند آیه پیش از آن، گویای آن است که پس از نزول آیات و استوار شدن قرائت آن بر زبان پیامبر ﷺ، مرحله بیان و تفسیر فرامی‌رسد و تفسیر آیات نیز به آن حضرت وحی می‌شود.<sup>۳</sup>

با توجه به نزول قرآن به زبان عربی مبین، اگر حقیقت و اصل آن، بنا بر نظر علامه طباطبایی، در مرحله نزول دفعی بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده بود، جایی برای بیان آیات از سوی خداوند متعال نبود. آری، اگر آن گونه که ابو عبدالله زنجانی احتمال داده است، آنچه در شب قدر نازل شد، اهداف و مقاصد کلی قرآن بوده است<sup>۴</sup> نه حقیقت قرآن، این اشکال وارد نخواهد بود؛ زیرا دانستن معانی کلی، بی‌نیازی از دانستن جزئیات را موجب نمی‌شود.

علامه طباطبایی طبق آیات شریفه «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»<sup>۵</sup> فی کتاب مکنون<sup>۶</sup> لایمسه<sup>۷</sup> إلا المطهرون<sup>۸</sup> معتقد است قرآن موجود در لوح محفوظ از پیامبر ﷺ پوشیده نیست،

۱. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۸؛ ج ۱۴، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. قیامت / ۱۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۶۶۱.

۴. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ص ۳۸-۳۹.

۵. واقعه / ۷۷-۷۹.

بلکه آن حضرت چون از مصادیق مطهرون است، روح مطهرش با آن تماس دارد و بدان عالم است.<sup>۱</sup> براساس این رأی، روح مطهر پیامبر ﷺ از حیث معنوی باید در مرتبه‌ای فوق لوح محفوظ و یا دست کم در رتبه‌ای باشد که بتواند به قرآن موجود در آن، احاطه یابد، در غیر این صورت، تماس و ارتباط با آن، برای حضرتش ممکن نخواهد بود. اما لازمه پذیرش چنین دیدگاهی این است که حقیقت قرآن از لوح محفوظ نازل نشود؛ زیرا در این صورت، قلب پیامبر ﷺ در مرتبه پایین‌تر از لوح محفوظ نیست تا حقیقت قرآن بر آن نازل شود، بلکه در مرتبه لوح محفوظ یا بالاتر از آن است؛ از این رو، نزول حقیقت کتاب بر قلب پیامبر ﷺ در این فرض نامعقول است. افزون بر این، فایده و اثری بر آن مترتب نیست؛ زیرا فرض این است که آن حضرت پیش از نزول حقیقت قرآن در شب قدر، به سبب مقام معنوی خویش به حقیقت قرآن در لوح محفوظ احاطه داشته است. اما اینکه گفته شود، مقصود از نزول قرآن در شب قدر، عروج روح پیامبر ﷺ و دریافت حقیقت قرآن است، پذیرفتنی نیست؛ زیرا بر خلاف ظاهر آیات و خالی از دلیل است.<sup>۲</sup>

### دیدگاه علامه محمدجواد بلاغی

صاحب تفسیر آلاء الرحمن در مقدمه آن، به موضوع چگونگی نزول قرآن پرداخته است، ولی در تفسیر آیه ۱۸۵ سوره بقره گفته است:

قرآن در ماه رمضان به بیت المعمور در آسمان نازل گردید، سپس جبرئیل آن را به تدریج بر رسول خدا ﷺ نازل می‌کرد. شبیه این مطلب در کافی از امام صادق ع و نیز در تفسیر طبری و الدر المنثور از ابن عباس آمده است و حاکم نیشابوری روایت آن را از ابن عباس که در آن، «بیت العزی» آمده، صحیح شمرده است.<sup>۳</sup>

چنان که می‌بینید، وی در انتخاب این دیدگاه به حدیث امام صادق ع در کافی

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۷؛ ج ۱۹، ص ۱۳۷.

۲. برای آگاهی بیشتر از اشکالات وارد بر دیدگاه علامه طباطبایی درباره نزول قرآن، ر.ک: میرزا یدالله دوزدوستانی، رسالی حول نزول القرآن.

۳. محمدجواد بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۰.

استناد کرده است و سپس در تأیید آن، به روایات اهل سنت در تفسیر طبری و الدر المنثور اشاره می کند.

شیخ طوسی رحمته الله نیز به همین دیدگاه گرایش نشان داده و پس از بیان این قول با دفع اشکال از آن، تمایل خود را بدان آشکار کرده است.<sup>۱</sup> سیوطی نیز راجع به این دیدگاه می نویسد:  
این قول صحیح ترین و مشهورترین رأی در نزول قرآن است.<sup>۲</sup>

## دیدگاه برگزیده

از مباحث پیشین آشکار گردید که دیدگاه اخیر، مقبول ترین رأی و بیش از سایر آراء با قرآن و حدیث هماهنگ است؛ چنان که از کلام صدوق رحمته الله استفاده می شود، به نظر می رسد همزمان با نزول دفعی قرآن به بیت المعمور، کلیات معارف قرآن نیز بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است؛ چه اینکه برای تصدیق منصب رسالت و هدایت خلق، لازم بود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از کلیات و اصول معارف الهی که در قرآن کریم وجود دارد، آگاه شود.<sup>۳</sup>

## شبهاتی دیگر

سید مرتضی رحمته الله می فرماید: روایاتی که در اثبات این دیدگاه بدان استناد شده اخبار آحاد است و موجب علم و قطع نمی شود. از سوی دیگر، شمار بیشتری از روایات که شهرت آنها افزون تر است، گویای آن است که قرآن به تدریج نازل شده است.<sup>۴</sup>  
در پاسخ گوئیم، گرچه روایات مورد استناد به حدّ تواتر نمی رسد، هماهنگی مفاد آنها با ظاهر آیات، موجب حصول اطمینان به صدور آنها می گردد و روایات بسیاری که دلالت بر نزول تدریجی قرآن دارد، با دیدگاه مورد نظر ما تنافی ندارد؛

۱. محمد بن حسن (شیخ طوسی)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۲. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الاعتقادات فی دین الامامی، ص ۵۸.

۴. ر.ک: سید مرتضی، رسائل المرتضی، تحقیق سیدمهدی رجائی، دار القرآن، ۱۴۰۵ ق.، ج ۱، ص ۴۰۳؛ محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۲۲.

زیرا این روایات صرفاً از نزول تدریجی قرآن حکایت می کند که مورد قبول همه است، ولی نزول دفعی قرآن به بیت المعمور را رد نمی کند. بدیهی است که اثبات نزول تدریجی قرآن بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نزول دفعی آن به بیت المعمور تنافی ندارد.

شبهه دیگر اینکه با توجه به آیه شریفه ﴿شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن هدی للناس...﴾<sup>۱</sup> اگر قرآن در ماه رمضان به بیت المعمور در آسمان چهارم نازل شده باشد، فایده این نزول چیست؟ و قرآن در حالی که در آسمان چهارم است، چگونه می تواند هادی و راهنمای مردم باشد؟ بعلاوه، در آیه یادشده، نزول قرآن در ماه رمضان نشانه عظمت ماه رمضان به شمار آمده است. حال، اگر بگوئیم قرآن در ماه رمضان به بیت المعمور در آسمان چهارم نازل شده است، در حالی که مردم از پیامهای حیات بخش آن بی بهره بوده اند، پس چنین نزولی چگونه می تواند بزرگداشتی برای این ماه باشد؟

پاسخ این است که هادی و راهنما بودن قرآن که در این آیه مطرح است، وصف شأنی قرآن است، نه فعلی آن؛ زیرا قرآن طبق این آیه، هادی و راهنمای تمام ابنای بشر تا آخرین دوره حیات است و این معنا با وصف فعلی بودن ﴿هدی للناس﴾ سازگار نیست؛ زیرا وصف مزبور حتی پس از نزول قرآن و اوج دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هدایت قرآن نیز به فعلیت نرسید؛ چه اینکه فعلیت هدایت تنها نسبت به برخی از کسانی بود که در آن عصر زندگی می کردند و تعالیم قرآن به آنها رسیده بود. بنابراین، حتی اگر نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر را نزول بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدانیم، باید ﴿هدی للناس﴾ وصف شأنی قرآن باشد؛ زیرا در این فرض نیز هادی بودن قرآن نسبت به تمام افراد بشر فعلیت ندارد. از این رو، باید ملتزم شویم که این وصف، وصف شأنی قرآن کریم است، در این صورت، وصف مزبور در حال وجود قرآن در بیت المعمور نیز متحقق است.

در پاسخ این پرسش که فایده نزول قرآن به آسمان چهارم چه بوده است، باید

گفت که این امر، چندان برای ما روشن نیست و یقیناً بنا به مصلحت و اقتضای حکمت الهی صورت گرفته است و از حیث مقدمه بودن برای آغاز نزول تدریجی، مبارک و ارزشمند است. همان گونه که بسیاری از امور عالم با طی مراحل صورت می‌گیرد، نزول قرآن به بیت المعمور، یک مرحله از مراحل نزول آن بوده است. در عین حال، ناآگاهی ما از حکمت و فایده این امر، مجوزی برای انکار آن نیست، همان گونه که راز بسیاری از حقایق در عالم تکوین و تشریح بر ما پوشیده است.

سبب بزرگداشت و عظمت شب قدر به دلیل نزول قرآن به آسمان چهارم یا آسمان اول، از آن روست که با نازل شدن قرآن از لوح محفوظ به بیت المعمور، آن کتاب بسیار مبارک و نورانی به این عالم آمده است و اصول معارف آن به پیامبر ﷺ داده شده تا رسالت سعادت بخش ایشان آغاز گردد. بی گمان، وقوع چنین حادثه عظیمی در ماه رمضان و شب قدر، می‌تواند موجب عظمت و بزرگداشت آن گردد.